

تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر تعداد فرزندان ایده آل در بین زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران

علی پژهان^۱ سیدمرتضی عرب^۲

چکیده:

با توجه به زمینه‌های متنوع قومی - فرهنگی جامعه ایران، تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر و ضرورت اتخاذ سیاستی مشخص در زمینه‌ی باروری و آهنگ رشد جمعیت در آینده، آگاهی و شناخت از رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری گروه‌های قومی و تعیین‌کننده‌های آن نقش مهمی در درک پویایی جمعیت و روندهای آن خواهد داشت. هدف این مقاله بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر تعداد فرزندان ایده آل در بین زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران می‌باشد. داده‌ها با استفاده از پیمایشی که در تیر ماه ۱۳۹۵ بر روی ۵۲۵ خانوار شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران انجام گرفت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۶۹/۷ و ۷۳/۸ درصد از زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ شهر تهران به ترتیب ۲ فرزند و تنها ۱۰/۹ و ۱۵/۸ درصد از آن‌ها ۳ فرزند را برای یک خانواده در شرایط کنونی ایده آل می‌دانند. تحلیل‌های چند متغیره نشان داد که متغیرهای مستقل مورد بررسی سهم تعیین‌کننده‌تری (۳۳/۵ درصد در مقابل ۶/۲ درصد) در تبیین تعداد فرزندان ایده آل در بین زنان غیر شاغل در مقایسه با زنان شاغل دارند. این بررسی نشان داد که تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان از جمله متغیرهای است که رابطه معناداری را با تعداد فرزندان ایده آل و باروری هم در بین زنان شاغل و هم در بین زنان غیر شاغل نشان می‌دهد. علاوه بر این، در بین زنان غیر شاغل متغیر پایبندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ تأثیر مستقیم و معناداری بر ایده آل‌های باروری داشته است. در مجموع، یافته‌های تحقیق این فرضیه را تأیید می‌کنند که نوعی هم‌گرایی در روندهای نگرشی و رفتارهای جمعیتی در میان گروه‌های مختلف با زمینه‌های متنوع قومی فرهنگی در ایران رخ داده است.

واژگان کلیدی: ایده‌آل‌های باروری، اشتغال، باروری زیر سطح جایگزینی، زنان شاغل و غیر شاغل، تهران

۱- استادیار جمعیت‌شناسی

۲- دانشجوی دکترای جمعیت‌شناسی* (نویسنده مسئول)

طرح مسأله:

باروری و تولید نسل در تمامی گروه‌های اجتماعی امری اساسی و پذیرفتنی است. آنچه که در مورد باروری نگاه محققان را به خود جلب می‌کند، تغییرات مشاهده شده در میزان‌های باروری گروه‌های اجتماعی است که با طیف وسیعی از فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی همراه است. دستیابی به تعادل جمعیتی مطلوب و با کیفیت از اهداف اولیه کشور می‌باشد، البته حفظ تعادل و توازن کیفی، کمی جمعیتی و برنامه ریزی سیاست گذاری برای دستیابی به رشد جمعیتی هماهنگ با امکانات و مقدرات کشور است، تا نهایتاً زمینه ساز توسعه کمی و کیفی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و در خدمت رفاه آحاد مردم باشد. زیرا در چنین شرایط متناسبی است که می‌توان ضمن دستیابی به رفاه مادی و آرامش روانی، دارای جمعیتی فعال- سازنده و امیدوار به باروری و تولید نسل در جامعه باشیم. بررسی تعداد فرزند ایده‌آل و باروری بازتاب انگیزه‌های فردی، نگرش‌ها و باورهای افراد در خصوص شمار فرزندان ایده‌آل افراد و خانوارهاست. بر اساس این ایده‌آل‌ها، ترجیحات مردم برای فرزندآوری قابل پیش‌بینی خواهد بود (ساسکیا^۱ و دیگران، ۲۰۱۱: ۱۳۱).

ارتباط بین ایده‌آل‌های باروری و باروری واقعی باعث می‌شود سنجش ایده‌آل‌ها به یک ابزار ارزشمند برای جمعیت‌شناسانی که می‌خواهند الگوهای باروری را در بین کشورها و یا زیر گروه‌های جمعیتی در یک کشور با هم مقایسه کنند، تبدیل شود. با شناخت ایده‌آل‌های باروری می‌توانیم درک خود را از خصوصیات ویژه‌ی فرهنگ‌های باروری در جوامع مختلف توسعه دهیم - (بونگارت^۲، ۲۰۰۱). همچنین، تمایلات باروری و تغییر در رفتار و تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان، علاوه بر تأثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت دارد، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر خواهد گذاشت. ایران در چند دهه‌ی اخیر تحولات جمعیت‌شناختی چشمگیری را تجربه کرده است. کاهش باروری از حدود ۷ فرزند در سال ۱۳۵۸ به حدود ۲/۱ در سال ۱۳۷۹ مؤید همین مطلب است (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۹). کاهش چشمگیر میزان باروری کل^۳ از ۱۳۷۹ به بعد و حتی کمی پیش‌تر از آن علائم باروری پایین‌تر از حد جایگزینی در نیمه اول دهه‌ی ۱۳۷۰، باعث شد که ایران به جرگه‌ی کشورهایی پیوندد که دارای باروری زیر حد جایگزینی^۴ هستند.

^۱- Saskia

^۲- Bongaarts

^۳-Total Fertility Rate

^۴-Below Replacement - level Fertility

بنابراین، با توجه به زمینه‌های متنوع قومی - فرهنگی جامعه‌ی ایران، تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر و ضرورت اتخاذ سیاستی مشخص در زمینه‌ی باروری و آهنگ رشد جمعیت در آینده، آگاهی و شناخت از رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری گروه‌های قومی و تعیین‌کننده‌های آن نقش مهمی در درک پویایی‌های جمعیت و روندهای آن خواهد داشت. بررسی‌های پیش‌تر (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۱؛ عباسی شوازی، حسینی چاووشی و مک‌دونالد، ۱۳۸۳؛ عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۶) نیز نشان می‌دهد که در ایران نوعی همگرایی در رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان واقع در سنین باروری در بسترهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است.

همچنین مطالعات (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸؛ نوروزی، ۱۳۷۷؛ شیری، نوراللهی و رستمی، ۱۳۹۲) نشان می‌دهد که رابطه‌ی اشتغال زنان و باروری منفی و معکوس می‌باشد، بدان معنا که با افزایش اشتغال زنان، باروری کاهش می‌یابد. بر این اساس، بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده‌ی تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ شهر تهران در دستور کار بررسی حاضر قرار گرفت. با توجه به آنچه که گفته شد، مقاله‌ی حاضر در صدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱) تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در میان زنان شاغل و غیر شاغل از نظر ایده‌آل‌های باروری

چگونه است؟

۲) نقش مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی بر ایده‌آل‌های باروری زنان چگونه است؟

۳) نقش مشخصه‌های فرهنگی بر ایده‌آل‌های باروری زنان چگونه است؟

ملاحظات نظری و تجربی

تبیین تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان را می‌توان در قالب دو دسته از نظریه‌ها ارائه نمود: نظریه‌های انتخاب عقلانی^۱ و تبیین ساختاری و نظریه‌های مرتبط با تبیین‌های هنجاری فرهنگی (حسینی، ۱۳۹۰). از میان نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری، برای تبیین ایده‌آل-های باروری زنان به نظریه‌های برابری جنسیتی، اقتصاد جدید خانوار و هزینه‌ها و منافع استناد می‌شود.

پایه و اساس نظریه‌ی برابری جنسیتی مک‌دونالد^۲، کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه‌ی قاهره در سال ۱۹۹۴ است که بر مسأله‌ی جنسیت به عنوان محور بحث جمعیت و توسعه تأکید کرد.

^۱- Rational Choice Theories

^۲- Mcdonald

نتیجه‌ی این کنفرانس این بود که سطوح بالاتر برابری جنسیتی، برای دستیابی کشورهای کمتر توسعه یافته به باروری پایین‌تر ضروری است. مک‌دونالد در مخالفت با این بیانیه اظهار داشت که باروری خیلی پایین کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی ناشی از ناهماهنگی بین سطوح بالای برابری جنسیتی در درون نهادهای اجتماعی فرد محور و تداوم نابرابری جنسیتی در درون نهادی اجتماعی خانواده محور است. بر همین اساس استدلال می‌کند که برای اجتناب از باروری خیلی پایین سطوح بالاتر برابری جنسیتی در درون نهادهای اجتماعی خانواده محور ضروری است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

نظریه‌ی اقتصاد جدید خانوار^۱ با کار بکر در دانشگاه کلمبیا در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ شروع شد (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). در این نظریه تلاش می‌شود رابطه‌ی منفی بین اشتغال زنان و باروری تبیین شود. بر اساس این نظریه، والدین طبقات مرفه‌تر برای خرید کالا و شرکت در فعالیت‌های وقت‌گیر موقعیت‌های بیش‌تری دارند. بنابراین، برای پرورش فرزندان با معیارهای مورد نظرشان، تعداد آنان را باید محدود کنند (ویکس، ۱۳۸۵: ۲۲۵).

رابطه علی بین باروری و اشتغال زنان در طول چند دهه گذشته مورد توجه جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان بوده است (کرامر^۲، ۱۹۸۰؛ فل مل^۳، ۱۹۹۳؛ سمیت‌لوین و تایک مایر^۴، ۱۹۷۸). با این وجود، برخی از تحقیقات (رایندفوس و همکاران، ۲۰۰۳؛ بروستر و رایندفوس^۵، ۲۰۰۰) به این نتیجه رسیده‌اند که برخلاف نظریه‌های سنتی رابطه‌ی اشتغال زنان و رفتار باروری به ویژه در بسترهای باروری پایین منفی نیست و در بسیاری از کشورهای اروپایی همبستگی منفی بین میزان باروری و میزان مشارکت زنان در بازار کار قبل از دهه‌ی ۱۹۸۰ به یک همبستگی مثبت در بعد از آن تغییر کرده است. نظریه‌ی تعارض نقشی نیز به وضوح تبیین می‌کند که حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی نظیر کار و خانواده چگونه تقاضاهای نقشی متعددی از هر فرد را مطرح می‌کنند و این جریان نهایتاً می‌تواند به ایجاد تعارض در زندگی انسان منجر شود (میشل و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۰۰). از این رو، هرگاه فرد موقعیتی را اشغال کند نه با یک انتظار واحد، بلکه همزمان با انتظارات متعدد رو به روست و غالباً برای افراد دشوار است که بتوانند به طور همزمان، جوابگوی الزامات متعدد باشند (روش و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۳۸). پلک^۶ در نظریه‌ی تأثیرپذیری نامتقارن نقش‌های کاری و خانوادگی مطرح می‌کند که محدوده‌های کار و خانواده به صورت

۱- New Household Economic Theories

۲- Cramer

۳- Felmlee

۴- Smith – Lovin&Tickamyer

۵- Brewster & Rindfuss

۶- Pelk

نامتقارنی تأثیرپذیر هستند و محیط‌های کاری، بیش‌تر بر محیط‌های خانوادگی تأثیر می‌گذارند و در نتیجه خواسته‌ها و مسئولیت‌های مربوط به کار در مقایسه با خواسته‌ها و مسئولیت‌های مربوط به خانواده به صورت نابرابری بر هم اثر می‌گذارند (رستگارخالد، ۱۳۸۳).

با توجه به پیچیدگی رفتار باروری، تنها یک نظریه نمی‌تواند آن را توضیح دهد، از اینرو ضروری است از چارچوب‌های نظری مختلف برای توضیح رفتار باروری، کمک گرفت. اساس چارچوب نظری این مطالعه در سطح خرد، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده‌ی نگرش فرد نسبت به فرزندآوری، به عنوان یکی از عوامل مرتبط با قصد باروری، در نظر گرفته شده است؛ و در سطح کلان بر اساس نظریه گذار دوم جمعیتی، تغییرات نگرشی و ارزشی رخ داده در نیت و رفتارهای باروری زیر سطح جانشینی را توضیح می‌دهند (ون دی کا، ۱۹۹۷). نظریه هزینه و فرصت، فرض بر آن است که مطلوبیت هر خانواده، به تعداد فرزندان و کالاهای دیگر بستگی دارد. تقاضا برای فرزند، با بالا و پایین رفتن درآمد، افزایش یا کاهش می‌یابد. در این مدل فرزندان به عنوان کالای سرمایه‌ای در نظر گرفته می‌شوند. بکر در مدل تقاضای خود، فرزندان را در امر تولید مفید دانسته و منبع تأمین دوره‌سالم‌خوردگی و نوعی بیمه برای والدین معرفی می‌کند. همچنین بیان می‌کند که والدین به علت نودوستی نیز به مطلوبیت فرزندان خود علاقمندند و رفاه فرزندان در گرو سرمایه انسانی (فیزیکی) و کیفیت آنهاست (بکر، ۱۹۹۲).

کالدول در قالب نظریه‌ی جریان ثروت بین نسلی، به تلفیق مفاهیم اقتصادی برای فرزندان و اشاعه فرهنگی ایده‌ها و ارزش‌های غربی که در نهایت تعیین‌کننده‌ی این تقاضا هستند، پرداخت. جریانهای ثروت در معنای تمام پول‌ها، کالاها، خدمات و تعهداتی است که یک فرد برای دیگری فراهم می‌کند (۱۹۸۲). از نظر کالدول برای درک باروری باید به ماهیت جوامع توجه کرد. او جوامع را با دو ساختار خانوادگی متفاوت از هم تفکیک می‌کند که تفاوت آنها اساساً در جهت جریان ثروت بین نسل‌ها می‌باشد. به باور کالدول یک ارتباط مستقیم بین ساختار خانواده و باروری وجود دارد. در جوامع سنتی که در شرایط باروری طبیعی به سر می‌برند، فرزندان منافع اقتصادی دارند. جریان ثروت رو به بالا و از نسل‌های جوان‌تر به نسل‌های سالم‌خورده‌تر است. در نتیجه والدین به کمیت فرزندان اهمیت می‌دهند. در جوامع جدید مبتنی بر اقتصاد مدرن، فرزند دارای بار اقتصادی برای خانواده است. بنابراین، فرزندان ارزش پایینی از نظر اقتصادی برای والدین دارند. ساختار خانواده بر حسب جریان‌های نزولی ثروت سازمان یافته است. در نتیجه، والدین بیش‌تر به کیفیت فرزندان توجه می‌کنند، بر خلاف جوامع سنتی، باروری در شرایط کنترل شده است. بر اساس این نظریه، در همه‌ی جوامع تصمیم‌های باروری پاسخ‌های عقلانی اقتصادی به جریان ثروت خانواده است. در جوامع سنتی، داشتن تعداد زیادی کودک زنده، یک نوع تصمیم اقتصادی

عقلایی است، زیرا کودکی که به خانواده اضافه می‌شود، باعث افزایش ثروت والدین، امنیت دوران سالخوردگی و رفاه اجتماعی و سیاسی می‌شود.

بر اساس نظریه‌ی هزینه‌ها و منافع، لیبنشتاین^۱ استدلال می‌کند که منفعت و هزینه‌ی فرزندان عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد ایده‌آل‌های باروری‌شان و در نهایت شمار فرزندان تأثیر می‌گذارد. یافته‌های لاک لند سام، پلتزر و مایر^۲ (۲۰۰۵) برای زنان آفریقای جنوبی در تأیید این نظریه می‌باشد. بنابراین، لیبنشتاین برفرآیند تصمیم‌گیری عقلایی زوجین در مورد داشتن فرزند با توجه به منافع و هزینه‌های فرزندان تأکید می‌کند.

نظریه‌های انتخاب عقلانی بر اهمیت نسبی عوامل مختلفی چون توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی، درآمد، سواد و تحصیلات، موقعیت اجتماعی و به‌طور کلی مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی در تأثیر گذاری بر چنین تصمیم‌گیری‌های فردی تأکید می‌کنند. با این حال، شواهد تجربی گویای آن است (کله‌لند و ویلسون^۳، ۱۹۸۷، بونگارت و واتکینز^۴، ۱۹۹۶، مک کویلان^۵، ۲۰۰۴) که نمی‌توان رفتار باروری را با استفاده از رویکردهای مبتنی بر مدل‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری تبیین کرد. در نتیجه، جست‌وجو برای تبیین‌های جایگزین آغاز شد و برای پُر کردن این خلأ تبیین‌های هنجاری فرهنگی باروری ارائه شد.

تبیین‌های هنجاری فرهنگی شامل فرضیه‌ی تأثیر قومی فرهنگی، فرضیه‌ی هنجارهای خرده فرهنگی و نظریه‌ی اشاعه است. بر خلاف نظریه‌های انتخاب عقلانی که بیش‌تر بر اهمیت تغییرات ساختاری تأکید می‌کند، در رویکرد اشاعه استدلال می‌شود که وقتی افراد اهمیت خانواده‌های کوچک را درک کنند، استفاده از وسایل پیش‌گیری از حاملگی را بپذیرند و باور کنند اختیار زندگی‌شان تا اندازه‌ای دست خودشان است، رفتارهای باروری می‌تواند مطابق شرایط مختلف اقتصادی اجتماعی تغییر کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در رویکرد تأثیر قومی فرهنگی، در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی رفتارهای باروری گروه‌های قومی تبیین می‌شود و معتقدند هر گروه قومی به خاطر ارزش‌های فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی ممکن است خانواده‌های بزرگ و پُر حجم ارزش والایی داشته باشند، یا این‌که روش‌های معینی از کنترل مولید در میان آن‌ها ممنوع شده باشد، گرایش زیادی به ترجیح فرزند پسر بر دختر وجود داشته باشد، زنان در تصمیم‌گیری‌های باروری استقلال کمتری

۱-Leibenstein

۲-Lackland Sam & Pltzer & Mayer

۳- Cleland & Wilson

۴ -Bongaarts & Watkins

۵-Mcquillan

داشته باشند و یا در رفتارهای باروری‌شان به شدت تقدیرگرا باشند. باربر و آکسین^۱ (۲۰۰۴) در تحقیق خود که در نپال انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که ترجیح جنسی نسبت به پسران وجود نداشت. اما در مقابل، تحقیق که بشیری^۲ (۲۰۰۷) انجام داد به این نتیجه رسید که یک تمایل قوی در خانواده‌های مصری برای داشتن دو فرزند و دست کم یک پسر وجود داشت. همچنین حسینی و بگی (۱۳۹۱، ب) در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که ایده آل‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان کُرد شهر مهاباد به ترتیب از شاخص‌های سه گانه‌ی استقلال تأثیر می‌پذیرد. عباسی‌شواری و علی-ماندگاری (۱۳۸۹) نیز به همین نتیجه رسیدند. بنابراین، در این فرضیه که از آن با عنوان فرضیه‌ی خُرده فرهنگی یا تأثیرات هنجاری نیز یاد می‌کنند بر تأثیرات خُرده فرهنگی‌ها در رفتارهای باروری گروه‌های قومی تأکید می‌شود. در واقع مطابق این فرضیه رفتارهای باروری گروه‌های قومی بازتاب اهمیت و نفوذ میراث فرهنگی مشترک آن‌هاست (حسینی و بگی، ۱۳۹۱، الف).

روش‌شناسی تحقیق و داده‌ها

این تحقیق حاصل پیمایشی است که در تیر ماه ۱۳۹۵ در بین زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران انجام شد. اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری شد. جمعیت آماری و واحد تحلیل شامل کلیه‌ی زنان شاغل و غیر شاغل ۱۵ تا ۴۹ ساله‌ی همسر دار ساکن در منطقه ۸ تهران می‌باشد که در داخل خانوارها و سازمان‌های دولتی^{*} شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۵۲۵ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تصادفی و تصادفی سیستماتیک بود. ابتدا، شهر به سه خوشه بر حسب موقعیت اقتصادی اجتماعی مناطق شهر (بالا، متوسط و پایین) تفکیک شد. برای انتخاب بلوک‌ها در هر یک از خوشه‌ها، ابتدا بلوک‌هایی که تعداد خانوارهای آن کم‌تر از ۸ خانوار بود، حذف شد. سپس، با توجه به این که در هر بلوک تنها ۸ خانوار بررسی می‌شد، از میان بلوک‌های باقی‌مانده در هر خوشه، بلوک‌هایی به طور تصادفی و متناسب با حجم هر خوشه انتخاب شد. در ارتباط با زنان شاغل نیز شهر به سه منطقه (شهرداری منطقه‌ی ۱ تا ۳) تقسیم شد و ادارات دولتی از این ۳ منطقه

^۱-Barber & Axinn

^۲-Baschieri

* ادارات دولتی که جهت تکمیل کردن پرسشنامه مراجعه شد شامل: وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت علوم و تحقیقات، وزارت نیرو، وزارت کشور، وزارت اوقاف و امور خیریه، وزارت امور اقتصاد و دارایی و وزارت جهاد کشاورزی می‌باشند.

انتخاب شدند. در نتیجه، اداراتی که کارمند زن بیش تری داشتند به طور تصادفی و متناسب با حجم کارمندان هر اداره انتخاب و کار تکمیل کردن پرسشنامه بر روی این افراد انجام شد.

متغیرهای تحقیق

در پیمایش ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران (۱۳۹۵) پرسشنامه‌ی تحقیق شامل سه بخش بود؛ بخش اول، دربرگیرنده‌ی مشخصات پاسخگویان بود. بخش دوم، ایده-آل‌های باروری زنان را می‌سنجید. در نهایت، بخش سوم پرسشنامه نگرش زنان نسبت به عوامل فرهنگی را می‌سنجید. بخشی از سؤالات پرسشنامه با اقتباس از مطالعات قبلی در زمینه‌ی باروری در ایران، در پرسشنامه تحقیق گنجانده شد.

متغیرهای تحقیق شامل دو دسته متغیرهای مستقل و وابسته است. متغیر وابسته ایده‌آل‌های باروری زنان است که در سطح سنجش فاصله‌ای و از طریق پرسش درباره‌ی این که «به نظر شما در شرایط کنونی برای هر خانواده داشتن چه تعداد فرزند مناسب است؟» اندازه‌گیری شده است. متغیرهای مستقل نیز به دو دسته مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی و مشخصه‌های فرهنگی تقسیم شدند (جدول ۱). مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی شامل؛ پایگاه اقتصادی اجتماعی و تعارض شغلی - فرزندآوری می‌باشد. مشخصه‌های فرهنگی شامل؛ سرمایه‌ی فرهنگی، گرایش به ترجیح جنسی، نابرابری جنسیتی، استقلال زنان در خانواده، نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، پابندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت می‌باشند.

جدول ۱) متغیرهای مستقل بر حسب گویه‌های تحقیق

نام متغیر / شاخص	گویه‌ها
پایگاه اقتصادی اجتماعی	با توجه به شرایط اقتصادی اجتماعی منطقه، این شاخص ترکیبی از متغیرهای تحصیلات، منزلت شغلی همسر، مالکیت مسکن و درآمد ماهانه‌ی خانوار می‌باشد. نمرات هر یک از این متغیرها به نمره استاندارد تبدیل شده و از مجموع آن‌ها نمره‌ی پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد محاسبه می‌شود.
تعارض شغلی - فرزندان آوری	۱. وقتی که زن شاغل برای انجام دادن کارش، فرزند و همسرش را ترک می‌کند احساس ناراضی می‌کند. ۲. زن شاغل بیشتر درگیر مسائل شغلی می‌باشد و ناچاراً نمی‌تواند آطور که باید و شاید به همسر و فرزندانش رسیدگی کند. ۳. زن شاغل هنگام بیماری فرزند و همسرش نمی‌تواند به اندازه کافی در کنار اعضای خانواده‌اش باشد. ۴. در صورتی که زن شاغل باشد وقتی که از سرکار به خانه برمی‌گردد خسته‌تر از آن است که به تغذیه و مسائل بهداشتی اعضای خانواده‌اش برسد. ۵. در صورتی که زن شاغل باشد احتمال آنکه فرزندش ساعتی از روز را در مهدکودک سپری کند، بیشتر است. ۶. زن شاغل به دلیل مشغله‌ی کاری زیاد معمولاً سعی می‌کند در سن بالاتری بچه‌دار شود. ۷. زن شاغل احساس می‌کند مادر یا همسر خوبی برای اعضای خانواده‌اش نیست. ۸. زن شاغل به خاطر درگیری‌های شغلی، معمولاً فرزند کمتری دارد.
سرمایه‌ی فرهنگی	۱. تماشای فیلم، تئاتر و نمایش. ۲. انجام فعالیت‌های ورزشی. ۳. گوش دادن به رادیو. ۴. گوش دادن موسیقی. ۵. خواندن مجلات و نشریات علمی فرهنگی. ۶. خواندن کتاب داستان، قصه و ... ۷. استفاده از اینترنت. ۸. فعالیت‌های هنری (خیاطی، گلدوزی و ...)
گرایش به ترجیح جنسی	۱. پسر عصای دست والدین است. ۲. پسر باعث زنده نگه داشتن اسم و رسم خانوادگی می‌شود. ۳. زنی که چند زایمان او دختر باشد، برای این که پسری به دنیا بیاید، حق دارد زایمان‌های بعدی را تجربه کند. ۴. پسر حافظ خانواده است و امنیت خانواده را حفظ می‌کند. ۵. تحصیلات پسرها مهمتر از تحصیلات دختران می‌باشد. ۶. در جامعه امروز، نگرانی‌هایی که والدین در مورد فرزندان دختر دارند، بیشتر از فرزندان پسر است. ۷. در مجموع، فرزند پسر بیشتر از فرزند دختر طرفدار دارد.
نابرابری جنسیتی	۱. نگهداری و مراقبت از بچه. ۲. سلامتی زنان در خانواده. ۳. آشنایی کردن و آماده کردن غذا برای خانواده. ۴. خرج کردن پول برای خانواده. ۵. تصمیمات مهم زندگی. ۶. نظافت خانه. مجموع نمرات پاسخگو از شش گویه‌ی مذکور نشان‌دهنده‌ی میزان نابرابری جنسیتی در نهاد خانواده می‌باشد و هرچه میانگین نمرات کسب شده کمتر باشد، نابرابری بیش تر است.
استقلال زنان در خانواده	شامل سه بُعد می‌باشد: الف) استقلال تصمیم‌گیری در سایر جنبه‌های زندگی (۱. نقش شما در تصمیم‌گیری برای خرید وسایل مورد نیاز منزل. ۲. سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مثل خرید ماشین، خانه، طلا و جواهرات و ... ۳. آموزش و تحصیلات فرزندان چگونه است؟) ب) رفتارهای جمعیتی (۱. روش‌های مورد استفاده در پیش‌گیری از بارداری. ۲. تصمیم در مورد تعداد فرزندان). ۳. تصمیم در مورد فاصله زمانی بین فرزندان. ۴. ترکیب جنسیتی فرزندان. ج) تحرک مکانی (۱. برای رفتن به مطب پزشک یا مراکز بهداشتی. ۲. مراسم مذهبی، مسجد. ۳. منزل بستگان و دوستان. ۴. مراسم جشن و عروسی. ۵. مسافرت به روستا یا شهر مجاور آیا باید حتماً به شوهرتان بگویید و از او اجازه بگیرید یا می‌توانید به تنهایی به این محل بروید؟)
تگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان	۱. فرزند زیاد، والدین و مخصوصاً مادر را از انجام کارهایی که دوست دارند، باز می‌دارد. ۲. داشتن فرزند زیاد موجب ایجاد فشارهای روحی و روانی برای والدین می‌شود. ۳. فرزند زیاد باعث می‌شود والدین نتوانند آنها را خوب تربیت کنند. ۴. با تولد فرزند، والدین احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند. ۵. وقتی تعداد فرزندان زیاد باشد، به تحصیلات و آموزش آنها لطمه وارد می‌شود. ۶. فرزند زیاد باعث ایجاد فشار مالی بر خانواده می‌شود. ۷. بچه‌ها مایه‌ی دردسر برای پدر و مادرند. ۸. هزینه‌ای که بچه‌ها دارند، از منفعتی که به خانواده می‌رسانند، بیشتر است. ۹. کودکان توقعات بالایی دارند. ۱۰. با هزینه‌های زندگی امروز، فرد بچه نداشته باشد راحت‌تر است.
پایبندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ	۱. بعضی‌ها بر این باورند زن و شوهرهایی که پس از ازدواج بچه‌دار نمی‌شوند، اجاقشان کور است. ۲. زنی که در همان سال اول ازدواج باردار شود و بچه‌های بیشتری را به دنیا بیاید، مایه‌ی سرفرازی شوهر و خانواده است. ۳. فرزندان به برادر و خواهر احتیاج دارند. ۴. خانواده‌ها برای افزایش قدرت قوم و طایفه خود باید فرزندان زیادی به دنیا آورند. ۵. والدین بایستی فرزندان زیادی داشته باشند تا در دوران پیری تنها نباشند. ۶. داشتن فرزند زیاد باعث می‌شود والدین از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار باشند.
تقدیرگرایی در رفتار باروری	۱. خداوند برکت را به خانه‌ای می‌فرستد که تعداد فرزندان آن زیاد است. ۲. فرزند زیاد نشانه‌ی عشق و مهر خداوند به پندگانش است. ۳. درست است که می‌گویند هر آنکه دندان دهد نان دهد. ۴. جلوگیری از بارداری دخالت در کار خداوند است. ۵. تولد فرزند به اراده و مشیت خداوند بستگی دارد.
تگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت	۱. اگر دولت تسهیلاتی مثل بیمه کردن فرزند، کمک نقدی، آموزش رایگان و ... در نظر گیرد، تمایل دارم فرزند بیشتری به دنیا آورم. ۲. اگر دولت برای تولد فرزند بعدی تشویق مالی در نظر گیرد، تمایل دارم فرزند دیگری به دنیا آورم. ۳. بدون توجه به بسته‌های تشویقی دولت برای افزایش موالید، تمایل دارم فرزند دیگری داشته باشم.

یافته‌ها:

نتایج تحقیق در دو بخش ارایه می‌شود. ابتدا، تصویری از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی جمعیت نمونه ارائه می‌شود. آن گاه، ایده‌آل‌های باروری زنان ارائه می‌شود. سپس، نتایج تحلیل‌های دو متغیره ذکر شده و در پایان، با استفاده از تکنیک رگرسیون چند متغیره به تحلیل ایده‌آل‌های باروری زنان پرداخته می‌شود.

مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی

بر پایه‌ی این بررسی، میانگین سن زنان شاغل و غیرشاغل در هنگام بررسی به ترتیب ۳۶/۵ و ۳۲/۵ سال و میانگین سن ازدواج نیز به ترتیب ۲۸/۵۱ و ۲۶/۲۲ سال بوده است. همانگونه که مشاهده می‌شود میانگین سن زنان هنگام بررسی و سن ازدواج برای زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل بیش‌تر بوده است. تحلیل گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواجی نشان از بالا رفتن سن ازدواج در میان زنان دارد، به طوری که برای زنان شاغل و غیرشاغل به ترتیب از ۲۳/۷ و ۲۲/۱۶ سال در کوهورت ازدواجی دهه‌ی ۱۳۶۰ به ۲۷/۲۷ و ۲۶/۶۲ سال در کوهورت ازدواج دهه‌ی ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

یافته‌ها از عمومیت نسبتاً بالای سواد و تحصیلات در میان پاسخگویان حکایت دارد. تنها ۴/۰۲ درصد از زنان غیرشاغل بی‌سواد بوده‌اند. تحلیل‌های بیش‌تر نشان می‌دهد که وضعیت سواد و سطح تحصیلات زنان در طول زمان به طور چشم‌گیری بهبود یافته است، به طوری که زنان غیرشاغل با تحصیلات عالی از ۵۳/۴ درصد در گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج دهه‌ی ۱۳۷۰ به ۸۹/۲ درصد در گروه‌های هم‌دوره‌ی ازدواج دهه‌ی ۱۳۸۰ رسیده است. توزیع زنان بر حسب میانگین درآمد ماهیانه - ی خانوار نشان داد که شاغلین (۲۰۳۳۰۰۰ هزار تومان)، از میزان درآمد بالاتری نسبت به غیرشاغلین (۱۱۰۰۰۰۰ هزار تومان) برخوردارند. همچنین، شاغلین (۲۲/۶۷ درصد) از تعارض شغلی - فرزندآوری پایینی برخوردارند.

مشخصه‌های فرهنگی

بررسی مشخصه‌های فرهنگی زنان نشان داد که میانگین نمرات شاخص‌های گرایش به ترجیح جنسی، نگرش نسبت به هزینه‌های فرزندان، پابندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای شاغلین کم‌تر از غیرشاغلین است (جدول ۲).

جدول ۲) میانگین نمرات مشخصه‌های فرهنگی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال

متغیر	میانگین نمرات شاخص‌ها	
	شاغل	غیر شاغل
گرایش به ترجیح جنسی	۱۶/۳۲	۱۷/۰۱
نگرش نسبت به هزینه‌های فرزندان	۳۲/۶۵	۳۳/۰۷
پابندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ	۱۵/۳۰	۱۵/۹۵
تقدیرگرایی در رفتار باروری	۱۴/۴۲	۱۵/۱۹
نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت	۴/۴۲	۴/۶۰
استقلال زنان در خانواده	۲۹/۰۸	۲۶/۴
سرمایه‌ی فرهنگی	۱۵/۵۳	۱۱/۷۷
نابرابری جنسیتی	۱۲/۰۵	۱۰/۳۹

میانگین نمره‌ی استقلال زنان و سرمایه‌ی فرهنگی برای شاغلین ۲۹/۰۸ و ۱۵/۵۳ درصد و برای غیر شاغلین ۲۶/۴ و ۱۱/۷۷ درصد است. همچنین، غیرشاغلین از نابرابری جنسیتی بیش‌تری در نهاد خانواده رنج می‌برند. میانگین نمرات این شاخص برای شاغلین (۱۲/۰۵ درصد) و برای غیرشاغلین (۱۰/۳۹ درصد) می‌باشد.

ایده‌آل‌های باروری

اطلاعات مندرج در جدول ۳ توزیع جمعیت نمونه را بر حسب ایده‌آل‌های باروری و وضعیت اشتغال نشان می‌دهد. میانگین شمار فرزندان ایده‌آل زنان شاغل و غیرشاغل به ترتیب ۲/۱۹ و ۲/۲۹ فرزند می‌باشد که این رقم برای زنان غیرشاغل اندکی بیش‌تر است.

جدول ۳) تعداد فرزندان ایده‌آل زنان بر حسب وضعیت اشتغال، منطقه ۸ تهران - سال ۱۳۹۵

شمار فرزندان ایده‌آل در زمان تحقیق	شاغل		غیر شاغل	
	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی
بدون فرزند ایده‌آل	۲	۰/۹	۲	۰/۷
۱	۱۵	۶/۸	۱۴	۴/۷
۲	۱۶۳	۷۳/۸	۲۰۷	۶۹/۷
۳	۲۴	۱۰/۹	۴۷	۱۵/۸
۴ و بیش‌تر	۱۷	۷/۹	۲۵	۹/۱
جمع	۲۲۱	۱۰۰/۰	۲۹۷	۱۰۰/۰

تحلیل دو متغیره

وضعیت اشتغال و ایده‌آل‌های باروری

جدول ۴ میانگین ایده‌آل‌های باروری زنان را نشان می‌دهد. همانگونه که این اطلاعات نشان می‌دهد، نتایج آزمون میانگین‌ها، گویای آن است که تفاوت معنی‌داری بین ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل (۲/۱۹) و غیرشاغل (۲/۲۹) منطقه ۸ تهران وجود ندارد. بنابراین، علیرغم تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی بین زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران، شمار فرزندان ایده-آل زنان در زمان تحقیق مشابه هم بوده است. این همگرایی در ایده‌آل‌های باروری زنان بدین معنی است، که اندیشه‌ها و آمل‌های خانواده‌ها در مورد فرزندآوری تغییر یافته است و تعداد فرزندان منتهای آرزوی آن‌ها کاهش یافته است. این نتایج همسو با بررسی‌های (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۱؛ عباسی‌شوازی، حسینی‌چاووشی و مک‌دونالد، ۱۳۸۳؛ عباسی‌شوازی و حسینی، ۱۳۸۶) می‌باشد که نشان دادند در ایران نوعی همگرایی در رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری در میان زنان واقع در سنین تولید مثل در بسترهای مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است و ناهمسو با بررسی‌های (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸؛ نوروزی، ۱۳۷۷؛ شیری، نوراللهی و رستمی، ۱۳۹۲) می‌باشد که نشان دادند با افزایش اشتغال زنان، باروری کاهش می‌یابد.

جدول ۴) نتایج آزمون T بین وضعیت اشتغال و ایده‌آل‌های باروری

متغیر وابسته	وضعیت اشتغال	تعداد مشاهدات	میانگین	درجه‌ی آزادی	مقدار T	سطح معنی داری
ایده‌آل باروری زنان	شاغل	۲۲۱	۲/۱۹	۵۱۶	-۱/۵۳۳	۰/۱۲۶
	غیر شاغل	۲۹۷	۲/۲۹			

رابطه‌ی متغیرهای مورد مطالعه و ایده‌آل‌های باروری زنان

از آنجا که بقیه متغیرهای مستقل تحقیق در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، برای بررسی بقیه فرضیات تحقیق که مدعی رابطه متغیرهای مختلف با ایده‌آل‌های باروری زنان بودند، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره‌ی ۵ گزارش شده است.

همانگونه که مشاهده می‌شود، بین گرایش به ترجیح جنسی و تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش گرایش به ترجیح جنسی، تعداد فرزند و ایده‌آل‌های باروری زنان نیز افزایش می‌یابد. مهمترین دلایل برای وجود چنین ترجیحاتی، تنوع نقش‌ها و مشاغل اجتماعی اختصاص یافته به آن می‌باشد. در حوزه‌ی مسایل

خانوادگی نیز، نقش پسران در سرپرستی والدین در دوره‌های کهولت سنی‌شان، حفظ نام و القاب خانوادگی و مواردی از این دست، مهم‌ترین دلایل برتری نسبی پسران بر دختران را در نمونه مورد بررسی تشکیل می‌دهند. این یافته‌ها با نتیجه‌ی تحقیق باربر و آکسین (۲۰۰۴) ناهمسو و با نتایج تحقیق بشیری (۲۰۰۷) همسو می‌باشد.

جدول ۵) نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل تحقیق و ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران-۱۳۹۵

مقدار ضریب پیرسون		مقدار ضریب پیرسون		متغیرهای مستقل
معنی داری	غیر شاغل	معنی داری	شاغل	
۰/۰۰۰	۰/۳۲۴	۰/۰۲۰	۰/۱۳۹	گرایش به ترجیح جنسی
۰/۳۶۱	۰/۰۲۱	۰/۲۴۱	-۰/۰۴۸	استقلال زنان در خانواده
۰/۰۰۰	-۰/۴۹۳	۰/۰۰۶	-۰/۱۷۰	نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان
۰/۰۱۳	۰/۱۲۹	۰/۲۴۵	۰/۰۴۷	نگرش به بسته‌های تشویقی دولت
۰/۰۰۰	-۰/۲۸۰	۰/۰۳۹	-۰/۱۱۹	پایگاه اقتصادی اجتماعی
۰/۰۱۶	-۰/۱۲۵	۰/۳۹۸	۰/۰۱۷	سرمایه‌ی فرهنگی
۰/۰۰۰	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۱	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۰۰۰	۰/۴۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۹۸	پایبندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ
۰/۰۱۳	-۰/۱۳۰	۰/۰۷۶	-۰/۰۹۷	نابرابری جنسیتی
۰/۰۰۰	۰/۲۳۵	۰/۳۳۵	۰/۰۲۹	تعارض شغلی - فرزندآوری

بررسی نتایج مربوط به آزمون رابطه‌ی استقلال زنان در خانواده و ایده‌آل‌های باروری نشان می‌دهد که این رابطه مورد تأیید قرار نگرفت. این یافته‌ها ناهمسو با نتایج بررسی‌های (حسینی و بگی، ۱۳۹۱؛ عباسی‌شوازی و علی‌ماندگاری، ۱۳۸۹) می‌باشد. بررسی نتایج مربوط به آزمون رابطه‌ی نگرش نسبت به هزینه و تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان نشان می‌دهد که رابطه‌ی منفی و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش هزینه، تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان کاهش می‌یابد. در نتیجه، در جامعه‌ی مورد بررسی چون که هزینه‌ی فرزندان اعم از هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم بیش‌تر از منافع آن‌ها می‌باشد، زوجین انگیزه‌ایی برای داشتن فرزند بیش‌تر ندارند.

با توجه به یافته‌های تحقیق رابطه‌ی بین نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای افزایش مولید و ایده‌آل‌های باروری زنان برای زنان غیر شاغل تأیید و برای شاغلین مورد تأیید قرار نگرفت. با توجه به این نتایج، انتظار نمی‌رود سیاست‌های جمعیتی در راستای تشویق مولید منجر به افزایش باروری در همه‌ی لایه‌های اجتماعی شود. این امر باید مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمعیتی قرار گیرد، چرا که نمی‌توان نسخه‌ی واحدی از برنامه‌ریزی‌ها را برای همه‌ی زنان تجویز کرد. این دو دسته از زنان (شاغلین و غیرشاغلین) نگرش‌ها و رفتارهای متفاوتی از خود نسبت به ایده‌آل‌های باروری‌شان نشان خواهند داد. بنابراین، این سیاست‌ها باید بر مبنای نیازهای مردم و اولویت‌های جمعیتی تدوین شوند.

در این تحقیق انتظار بر این بوده که افراد برخوردار از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا از سرمایه‌ی فرهنگی بالای نیز برخوردار باشند. در نتیجه، انتظار می‌رود زنان شاغل ایده‌آل باروری کم‌تری داشته باشند. همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و ایده‌آل‌های باروری شاغلین رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، با بالا رفتن سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی معمولاً جهان‌بینی‌ها و نوع نگرش زنان نسبت به زندگی دگرگون می‌شود و افراد خواهان سطح زندگی ایده‌آل و نسبتاً بالایی برای خود و فرزندان خود می‌شوند. در این میان، تحصیلات نه تنها موجب افزایش توانایی‌های شناختی و تغییرات نگرشی در افراد و خانواده‌ها می‌شود، بلکه با گشودن فرصت‌های اقتصادی زمینه‌ی تحرک اجتماعی را فراهم می‌سازد و بر تصمیم‌گیری افراد برای داشتن خانواده‌ای کوچک‌تر تأثیر می‌گذارد. اما یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان شاغل مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. این می‌تواند ناشی از همبستگی خطی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی باشد. به گونه‌ای که افرادی که دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتر، از جمله (تحصیلات، منزلت شغلی همسر، مالکیت مسکن و درآمد ماهیانه‌ی خانوار) هستند، احتمال می‌رود بهره‌مندی آن‌ها از سرمایه‌ی فرهنگی بیش‌تر باشد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، بین تقدیرگرایی در رفتار باروری و تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان شاغل و غیرشاغل رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. در نتیجه، تقدیرگرایی یکی از عوامل فرهنگی است که می‌تواند بر ایده‌آل‌های باروری زنان و تعداد فرزند اثرگذار باشد؛ چرا که برخی از افراد معتقدند خداوند برکت را به خانه‌ای می‌فرستد که تعداد فرزندان آن زیاد است، هر آن کس که دندان دهد، نان دهد، توگد فرزند به اراده و مشیت خداوند بستگی دارد. شیوع این باورها ممکن است باعث افزایش ایده‌آل‌های باروری زنان و در نهایت فرزندآوری شود.

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بین پابندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ و ایده‌آل‌های باروری زنان و تعداد فرزند نیز رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد علی‌رغم ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی متفاوت، پابندی زنان به ارزش‌های خانوادگی بزرگ به عنوان یک مشخصه‌ی فرهنگی تأثیرگذار است؛ چرا که برخی از زنان معتقدند فرزندان به برادر و خواهر احتیاج دارند، زن و شوهرهایی که پس از ازدواج بچه‌دار نمی‌شوند، اجاقشان کور است؛ و شیوع باورهایی از این نوع می‌تواند تأثیرگذار می‌باشد.

نتایج مندرج در جدول ۵ رابطه‌ی بین نابرابری جنسیتی در نهاد خانواده محور و ایده‌آل‌های باروری زنان را نشان می‌دهد. رابطه‌ی بین این دو متغیر برای زنان غیرشاغل تأیید شد؛ بدان معنا که با افزایش نابرابری جنسیتی در نهاد خانواده محور، ایده‌آل‌های باروری زنان کاهش می‌یابد. این نتایج همسو با نظریه‌ی مک دونالد می‌باشد که معتقد است اگر برابری جنسیتی به سطح بالای خود برسد، نگرش و رفتار افراد نسبت به باروری بهتر می‌شود.

در این تحقیق انتظار بر این بوده است که زنان شاغل تعارض شغلی - فرزندآوری بیش‌تری را تجربه کنند و ایده‌آل باروری پایین‌تری داشته باشند. با توجه به یافته‌های تحقیق، رابطه‌ی بین این دو متغیر مورد تأیید قرار نگرفت؛ این می‌تواند ناشی از افزایش حمایت‌های خانوادگی در امور منزل باشد که باعث شده است به طور قابل ملاحظه‌ای از مشکلات زنان در امور منزل کاسته شود.

تحلیل چند متغیره

جدول ۶ رگرسیون چند متغیره‌ی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود متغیر نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان تأثیر معکوس و معنی‌داری بر ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل دارد، یعنی باعث کاهش ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل می‌شود. اما، متغیر تقدیرگرایی در رفتار باروری تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد، یعنی باعث افزایش ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل می‌شود.

جدول ۶) رگرسیون چند متغیره‌ی تأثیر متغیرهای مستقل بر ایده‌آل‌های باروری

ویژگی	شاغل	غیر شاغل	شاغل	غیر شاغل
متغیرهای مستقل	بتا	سطح معنی -	بتا	سطح معنی -
		داری		داری
ترجیح جنسی	۰/۰۶۱	۰/۴۱۴	۰/۰۴۹	۰/۳۸۹
هزینه‌ی فرزندان	-۰/۱۴۰	۰/۰۴۰	-۰/۲۴۸	۰/۰۰۰
نگرش به بسته‌های تشویقی دولت	۰/۰۰۳	۰/۹۶۰	-۰/۰۳۹	۰/۴۴۹
پایگاه اقتصادی اجتماعی	-۰/۰۸۶	۰/۲۰۱	-۰/۰۸۹	۰/۱۱۴
سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۰۳۷	۰/۵۸۵	-۰/۰۶۰	۰/۲۴۱
تقدیرگرایی	۰/۱۷۰	۰/۰۴۷	۰/۲۰۱	۰/۰۰۸
پابندی به ارزش‌های خانواده بزرگ	۰/۰۳۷	۰/۶۷۲	۰/۱۴۰	۰/۰۴۶
نابرابری جنسیتی	-۰/۰۷۸	۰/۲۴۷	۰/۰۲۸	۰/۵۹۵
تعارض شغلی - فرزندآوری	۰/۰۱۳	۰/۸۴۸	۰/۰۸۷	۰/۰۹۳
ضریب همبستگی R	۰/۳۱۸		۰/۵۹۶	
ضریب R ^۲	۰/۱۰۱		۰/۳۵۶	
ضریب R ^۲ تعدیل یافته	۰/۰۶۲		۰/۳۳۵	
معنی داری آزمون F	۰/۰۰۷		۰/۰۰۰	

همچنین در ارتباط با تعداد فرزند ایده‌آل و باروری زنان غیرشاغل متغیر نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد، یعنی باعث کاهش ایده‌آل‌های باروری زنان غیرشاغل می‌شود. اما، متغیرهای تقدیرگرایی در رفتار باروری و پابندی به ارزش‌های خانواده بزرگ تأثیر مستقیم و معناداری دارند و باعث افزایش ایده‌آل‌های باروری غیرشاغلین می‌شوند. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته برای شاغلین و غیر شاغلین به ترتیب ۰/۰۶۲ و ۰/۳۳۵ درصد می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی این است که به ترتیب ۶/۲ و ۳۳/۵ درصد از کل تغییرات ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیرشاغل منطقه ۸ تهران وابسته به متغیرهای مستقل وارد شده در این معادله می‌باشد.

تحلیل مسیر

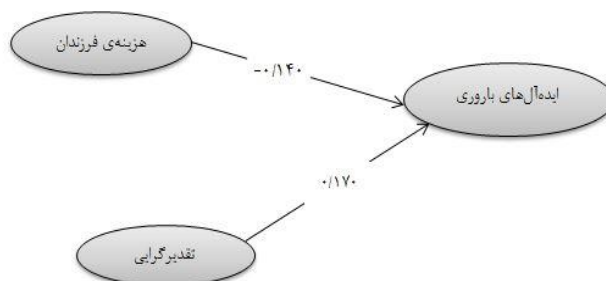
جدول ۷ نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل و غیرشاغل منطقه ۸ تهران را نشان می‌دهد.

جدول ۷) اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر ایده‌آل‌های باروری زنان

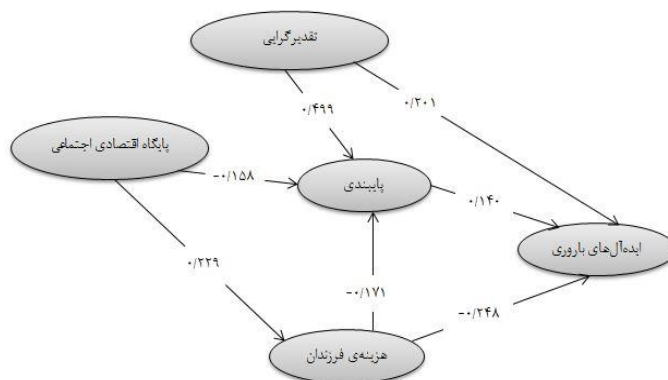
ایده‌آل‌های باروری شاغلین			ایده‌آل‌های باروری غیرشاغلین		
متغیرهای مستقل		مستقیم	نوع اثر		نوع اثر
کل	غیرمستقیم	مستقیم	کل	غیرمستقیم	کل
نگرش نسبت به هزینه فرزندان	-۰/۱۴۰	۰	-۰/۱۴۰	-۰/۲۴۸	-۰/۲۷۱
تقدیرگرایی در رفتار باروری	۰/۱۷۰	۰	۰/۱۷۰	۰/۲۰۱	۰/۲۷۰
پایبندی به ارزشهای خانوادگی بزرگ	—	—	—	۰/۱۴۰	۰/۱۴۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	—	—	—	-۰/۰۷۸	-۰/۰۷۸

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله‌ی رگرسیون، برای ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل دو متغیر مستقل تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته دارند. از بین متغیرهای باقی‌مانده در مدل برای زنان شاغل، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه فرزندان در مجموع و به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر ایده‌آل‌های باروری زنان دارند. در میان زنان غیرشاغل چهار متغیر، نگرش نسبت به هزینه فرزندان، تقدیرگرایی در رفتار باروری، پایبندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ و پایگاه اقتصادی اجتماعی در مجموع و به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر ایده‌آل‌های باروری زنان دارند. البته، پایگاه اقتصادی اجتماعی به طور غیرمستقیم و از طریق نگرش نسبت به هزینه فرزندان و پایبندی به ارزش‌های خانوادگی بزرگ بر ایده‌آل‌های باروری زنان غیرشاغل تأثیر می‌گذارد.

شکل ۳ مدل تجربی عوامل مؤثر بر ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل



شکل ۴ مدل تجربی عوامل مؤثر بر ایده‌آل‌های باروری زنان غیر شاغل



نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، عوامل تعیین‌کننده‌ی مرتبط با تعداد فرزندان ایده‌آل و باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله‌ی شاغل در ادارات دولتی و غیرشاغل منطقه ۸ تهران مورد بررسی قرار گرفت و روابط بین متغیرهایی از قبیل مشخصه‌های فردی و فرهنگی بررسی شد. با توجه به زمینه‌های متنوع قومی فرهنگی در ایران و این واقعیت که گروه‌های قومی مختلف با پیش‌آمدگی‌های متفاوت در معرض تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته‌اند، انجام بررسی‌های زمینه‌ای در بسترهای گوناگون اجتماعی فرهنگی می‌تواند نتایج ارزشمندی برای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در مقیاس ملی و منطقه‌ای به دست دهد. رفتارهای باروری زنان بیش از آن که تابع سیاست‌گذاری‌ها

باشد، از زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی جامعه تأثیر می‌پذیرد. تغییرات باروری در طول سه دهه‌ی گذشته در ایران گواه این ادعا است. با توجه به این تغییرات، به نظر می‌رسد تغییر در ایده‌آل‌ها و تمایلات باروری زنان باعث کاهش باروری کل شده است. به بیانی دیگر، باروری کل زنان انعکاسی از ایده‌آل‌های باروری آنان می‌باشد. بنابراین، کاهش هر چه بیشتر در تمایلات و ایده‌آل‌های باروری زنان می‌تواند باروری کل را کاهش دهد. نتایج حاکی از آن است که علی‌رغم تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی بین زنان شاغل و غیرشاغل منطقه ۸ تهران، شمار فرزندان ایده‌آل زنان در زمان تحقیق مشابه هم است. میانگین شمار فرزندان ایده‌آل زنان شاغل و غیر شاغل به ترتیب ۲/۱۹ و ۲/۲۹ فرزند است. این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار نیست. تحلیل‌های بیش‌تر نشان می‌دهند که در شرایط امروزی ۷۳/۸ و ۶۹/۷ درصد از زنان شاغل و غیرشاغل منطقه ۸ تهران به ترتیب ۲ فرزند و تنها ۱۰/۹ و ۱۵/۸ درصد از آن‌ها ۳ فرزند را ایده‌آل می‌دانند. تحلیل‌های دو متغیره نشان داد که متغیرهای، گرایش به ترجیح جنسی، نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، نگرش نسبت به بسته‌های تشویقی دولت برای افزایش مولید، پایگاه اقتصادی اجتماعی، تقدیرگرایی در رفتار باروری، پابندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ و نابرابری جنسیتی رابطه‌ی معنی‌دار با ایده‌آل‌های باروری زنان دارد.

نتایج تحلیل چند متغیره نیز نشان داد که سهم متغیرهای مورد بررسی در تبیین ایده‌آل‌های باروری زنان غیرشاغل بیش‌تر از زنان شاغل است (۳۳/۵ درصد در مقابل ۶/۲). در بین متغیرهایی که تأثیر معناداری بر ایده‌آل‌های باروری زنان شاغل داشته‌اند، تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان در مجموع و به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را دارند. در میان زنان غیر شاغل چهار متغیر، نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان، تقدیرگرایی در رفتار باروری، پابندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ و پایگاه اقتصادی اجتماعی در مجموع و به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر ایده‌آل‌های باروری زنان دارند. البته، پایگاه اقتصادی اجتماعی به طور غیر مستقیم و از طریق نگرش نسبت به هزینه‌ی فرزندان و پابندی به ارزش‌های خانواده‌ی بزرگ بر ایده‌آل‌های باروری زنان غیرشاغل تأثیر می‌گذارد.

بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌شود که: مطالعاتی با روش‌های کیفی برای ارزیابی بیش‌تر تأثیر عوامل قومی - فرهنگی و مذهبی مختلف بر ایده‌آل‌های باروری زنان، مطالعه‌ی ایده‌آل‌های باروری برای هر یک از همسران به صورت مقایسه‌ای انجام شود. به زبان دیگر بررسی‌های با هدف سنجش تأثیر مردان در نگرش زنان نسبت به ایده‌آل‌های باروری‌شان انجام شود. با توجه به رابطه‌ی میان ساختار جمعیتی زنان در دامنه‌ی سنی تولید مثل و نیز شمار فرزندان در قید حیات آن‌ها، بسته‌های تشویقی مولید بایستی بیش‌تر معطوف به زوج‌های جوان باشد. همچنین، بررسی ایده‌آل‌های

باروری در میان اقوام مختلف و به صورت مقایسه‌ای که تفاوت‌ها و شباهت‌های میان آن‌ها مشخص شود، پیشنهاد می‌شود.

منابع:

- ۱- حسینی، حاتم (۱۳۸۶). «درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده»، ویراست اول، چاپ سوم، همدان، انتشارات دانشگاه بو علی سینا.
- ۲- حسینی، حاتم (۱۳۸۷). «قومیت و باروری: تبیین رفتارهای باروری زنان گُرد و ترک در شهرستان ارومیه»، رساله‌ی دکتری جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۳- حسینی، حاتم (۱۳۹۰). «جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده»، ویراست دوم، چاپ چهارم، همدان، انتشارات دانشگاه بو علی سینا.
- ۴- حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱، الف). «فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان گُرد شهر مهاباد»، مطالعات راهبردی زنان، سال پانزدهم، ش ۵۸، صص ۱۶۱-۱۲۱.
- ۵- حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱، ب). «استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان گُرد شهر مهاباد»، زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳، صص ۷۸-۵۷.
- ۶- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۳). «بررسی تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، دو ماهنامه‌ی علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال یازدهم، دوره‌ی جدید، ش ۴، صص ۴۸-۳۵.
- ۷- روش بلاو، آن ماری و اسپنله (۱۳۷۲). «مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات تاریخی انتقادی»، (ترجمه‌ی ابوالحسن سرو قدمقدم)، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۸- شیخ بیگلو، رعنا (۱۳۹۰). «شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، ش ۷، صص ۷۰-۵۳.
- ۹- شیری، طهمورث و سهیلا بیداریان (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله‌ی شاغل در آموزش پرورش منطقه‌ی ۲۲ تهران»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۳، صص ۱۵-۱.
- ۱۰- شیری، محمد، طه نور الهی و الهام رستمی (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر باروری با تکیه بر رویکرد چند سطحی»، معرفت، ش ۱۸۹، صص ۱۰۰-۸۹.
- ۱۱- عباسی شوازی، محمد جلال، پتر مک دونالد، میمنت حسینی چاووشی و زینب کاوه فیروز (۱۳۸۱). «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، نامه‌ی علوم اجتماعی، ش ۲۰، صص ۲۰۳-۱۶۹.

- ۱۲- عباسی شوازی، محمد جلال، میمنت حسینی چاووشی و پیتر مک دونالد (۱۳۸۳) "همگرایی ایده‌آل‌های باروری در ایران: مطالعه مقایسه‌ای جوانان و نسل مسن‌تر"، کنفرانس انجمن جمعیت استرالیا، کنفرانس های دو سالانه، کانبرا.
- ۱۳- عباسی شوازی، محمد جلال و حاتم حسینی (۱۳۸۶). «تفاوت‌های قومی باروری در ایران: روندها و عوامل مؤثر بر آن». *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، دوره‌ی هشتم، ش ۴، صص ۳۶-۳.
- ۱۴- عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۸۹). «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران»، *پژوهش زنان*، دوره‌ی ۸، ش ۱، صص ۵۱-۳۱.
- ۱۵- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). «نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور»، تهران، مرکز آمار ایران.
- ۱۶- نورزوی، لادن (۱۳۷۷). «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر میزان باروری زنان در ایران»، *برنامه و بودجه*، ش ۳۰، صص ۷۸-۶۱.
- ۱۷- ویکس، جان (۱۳۸۵)، «جمعیت مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات»، (ترجمه‌ی الهه میرزایی)، تهران، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

- ۱۸- Abbasi-shavazi, M.J. P. McDonald, and M. Hosseini-chaoshi (۲۰۰۹). "The Fertility Transition in iran". *revolution and reproduction*, springer, Dordrecht.
- ۱۹- Barber, J.S and, W.G Axinn (۲۰۰۴) "New Ideas and Fertility Limitation: The Role of Mass Media". *Journal of Marriage and Family* ۶۶:۱۱۸۰-۱۲۰۰.
- ۲۰- Baschieri, A (۲۰۰۷) "Effecs of Modernisation on Desired fertility in Egypt". *Population Studies, Space and Place* ۱۳, (pp.۳۵۳-۳۷۶).
- ۲۱- Bongaarts, J.(۲۰۰۱) "Fertility and reproductive preferences in post-transitional societies". *Population and development Review. supplement* ۲۷:۲۶۰-۲۸۱.
- ۲۲- Boongaarts, J and S.C. Watkins (۱۹۹۶) "Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions". *Population and Development Review* ۲۲(۴): ۶۳۹-۶۸۲.
- ۲۳- Brewster, K.L and R. Rindfuss (۲۰۰۰). "Fertility and Women's Employment in Industrialized Nations". *Annual Review of Sociology* ۲۶: ۲۷۱-۲۹۶.
- ۲۴- Cleland, J and C.Wilson (۱۹۸۷). "Demand Theories of the Fertility Trnansation, An Iconoclastic View". *Population Studies*. ۴۱:۵-۳۰.
- ۲۵- Cramer, J (۱۹۸۰). "Fertility and Female Employment: Problems of Causal Direction". *American Sociological Review* ۴۵, ۱۶۷-۱۹۰.

- ۲۶- Felmlee, D.H (۱۹۹۳). "The Dynamic Interdependence of Women Employment and Fertility". Social Science Research ۲۲, ۳۳۳-۳۵۹.
- ۲۷- Lacklandsam, D, K. Peltzer and B. Mayer (۲۰۰۵). "The Changing Values of Children and Preferences Regarding Family Size in South Africa". Applied Psychology: An International Review, ۵۴(۳), ۳۵۵-۳۷۷.
- ۲۸- Mcquillan, K (۲۰۰۴). "When Dose Religion Influence Fertility"? Population and Development Review, ۳۰(۱): ۲۵ - ۵۶.
- ۲۹- Michel, J. S, J. K. Michelson, L. M. Kotrba, J. M. Lebreton and B. B. Baltes (۲۰۰۹). "A Comparative Test of Work – Family Conflict Models and Critical Examination of Work – Family Linkages". Journal of Vocational Behavior ۷۴: ۱۹۹-۲۱۸.
- ۳۰- Rindfuss, R.R., K. Benjamin- Guzzo, S. Philip Morgan (۲۰۰۳). "The Changing Institutional Context of Low Fertility". Population Research and Policy Review ۲۲: ۴۱۱- ۴۳۸.
- ۳۱- Saskia, H. Anne, G. Joshua, G and buhler, C (۲۰۱۱) Fertility preferences: what measuring second choices teaches us. Vienna Yearbook of Population Research. pp ۱۳۱-۱۵۶.
- ۳۲- Smith – Lovin, L and A. Tickamyer (۱۹۷۸). "Nonrecursive Models of Labor Force Participation, Fertility Behavior, and Sex Role Attitudes". American Sociological Review ۴۳, ۵۴۱ - ۵۵۷.